

ماهیت «مبارزه» و قلمروهای تربیتی آن در آموزه‌های اسلامی

طاهره رجیبی *

رضا علی نوروزی **

دریافت مقاله: ۹۴/۴/۷

پذیرش نهایی: ۹۴/۶/۲۵

چکیده

هدف این مقاله، ترسیم ماهیت مبارزه و قلمروهای تربیتی ابعاد مبارزه بر اساس آموزه‌های اسلامی است. در این مقاله به روش تحلیلی استنتاجی ابتدا عوامل مفهومی مشترک در مبارزه و تربیت توصیف، و سپس بر اساس مفهوم مبارزه، ابعاد و قواعد آن تحلیل، و سپس بر اساس توصیف و تحلیل، قلمروهای تربیتی مبارزه تبیین، و تربیت جهادی استنتاج شد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که زوایای پنهان مبارزه و جهاد به علت توجه به معنای ظاهری جهاد در جنگ و قتال، مغفول مانده است ولی می‌تواند به عنوان برنامه‌ای تربیتی مطرح شود. میدان نبرد در مبارزه، میدان تربیت ابعاد وجودی انسان است. مبارزه در بعد درونی، قلمروی تربیت اخلاقی انسان و مبارزه در بعد بیرونی و در بستر اجتماع، قلمروی تربیت اجتماعی او را فراهم می‌کند. لزوم هماهنگی در بعد درون و بیرون، مرحله بالاتری از تربیت را برای انسان فراهم می‌کند که تربیت جهادی است. توجه به عناصر و قواعد مشترک در مبارزه، که شامل هجوم، دفاع، هجرت و تقیه است، هر کدام موقعیت تربیتی متفاوتی را برای رشد انسان فراهم می‌کند. کلید واژه‌ها: مبارزه و جهاد، قواعد مبارزه، تربیت اخلاقی، تربیت اجتماعی، تربیت جهادی.

* t.rajabi12@yahoo.com

** nowrozi.r@gmail.com

* دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه اصفهان

** استادیار گروه روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

مقدمه

فلسفه تعلیم و تربیت بر اساس نگرش به انسانها، تلاش می‌کند با نگاهی عمیقتر در بنیان اندیشه‌ها، نظریات و توصیه‌های تربیتی را استخراج کند. در تربیت اسلامی این مبانی از متون اسلامی گرفته می‌شود. مفاهیم نهفته در متون اسلامی بویژه قرآن هنوز برای بسیاری از صاحب‌نظران تربیت ناشناخته است و معمولاً دستورهای تربیتی بر اساس شناخت ظاهر آیات و روایات ارائه می‌شود. یکی از این مفاهیم ناشناخته قرآنی، «مبارزه» است که در واژه «جهاد» متصور است.

انسان، که رفتارش محل تأمل نظریه‌پردازان تربیتی است، همواره در میدان مبارزه و چالشی برای رسیدن به رشد و کمال است. تربیت این انسان هم در وضعیت فعلی نسبت به گذشته با چالش بیشتری روبه‌رو شده است؛ این چالش تحت تأثیر اوضاع «ساخت زدایی» دنیای جدید است (باقری، ۱۳۸۵). در این موقعیت تعریف ساختار قطعی و از پیش تعریف شده برای انسان با تحولات و تغییرات درباره انسان، هماهنگی ندارد. اقتضای چنین وضعی تربیت انسانی متناسب با چنین عصری است که چگونگی برخورد و رفتار را در فضای چالش آمیز فکری و عملی درک کند و ضمن اینکه از اصول و اهداف متعالی خود شناخت داشته باشد به دام بی‌اعتنایی و نسبی‌انگاری نیفتد و ضرورت رویارویی با چالشها را درک کند. این رویارویی نوعی مبارزه کردن است. این تحقیق تلاش می‌کند ضمن شناخت ابعاد گوناگون مبارزه، میدان مبارزه را بستری برای تربیت انسان معرفی کند.

بر اساس ماهیت انسان به ضرورت مبارزه برای او می‌توان رسید. آفرینش انسان از جسم و روح است و بر اساس این گونه خلقت، نزاع و درگیری بین مراتب وجودی انسان بین حیوانیت و انسانیت، غریز و فطرت وجود دارد و تا این دوگانگی و درگیری پیش نیاید، انسان، انسان نمی‌شود. چگونگی مبارزه او و نتیجه این درگیری باعث صعود یا سقوط آدمی می‌شود. این درگیری در درون و مبارزه‌های داخلی، عامل مبارزه‌های گسترده بیرون است. این قانون درگیری و قتال است که تمامی قلمروهای جهاد و مبارزه را در برمی‌گیرد (صفایی حائری، ۱۳۸۸: ۳۹ تا ۴۵)؛ پس بنا بر ماهیت انسان، مفهوم «مبارزه» یکی از مفاهیم اساسی در فرایند رشد او است. چون ماهیت انسانها یکسان است، همه انسانها با این درگیری روبه‌رو هستند. ضرورت مبارزه به ضرورت دفاع آدمی از خود بر می‌گردد. آدمی با شناخت زندگی به عنوان میدان مبارزه، باید مهارتهای لازم را

برای دفاع در این میدان نبرد داشته باشد.

این قانون مبارزه مختص انسان نیست. تمام اجزای هستی برای تأمین نیازهای خود و ادامه بقا و به دست آوردن اهدافی که برای آنان مقرر شده است، لحظه‌ای از میدان مبارزه بیرون نیستند و ناچارند با عوامل زیان‌آفرین مبارزه، و موانع رشد خود را برطرف کنند. این جنگ و جهاد و تنازع و برخورد تا روزی که موجود باید باشد، ادامه دارد. توقف از مبارزه مساوی نابودی است (انصاریان، ۱۳۶۸: ۴۸ و ۴۹).

موضوع تربیت، انسان است و مبانی تعلیم و تربیت در قرآن بر اساس نگرشهای این کتاب الهی، نسبت به حقیقت انسان و شئون وجودی وی و هدف او به سوی کمال ترسیم می‌شود (فرهادیان، ۱۳۷۸: ۱۲). بر این اساس آموزه‌ها و دستورهای قرآنی با در نظر گرفتن ساختار وجودی انسانها تنظیم شده است. با این نگاه می‌توان به آیات قرآن، دقیقتر و با هدف استنباط اصول و روشهای تربیت متناسب با ساخت انسان نگریست.

در قرآن از دو دسته انسانها تحت عنوان قاعدان و مجاهدان نام برده شده است: «لا یستوی القاعدون من المؤمنین غیر اولی الضرر والمجاهدون فی سبیل الله باموالهم و انفسهم فضل الله المجاهدین باموالهم و انفسهم علی القاعدین درجه و کلا وعد الله الحسنی و فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیما - نساء/۹۵». قاعدان و مجاهدان، وصف دو گروه از انسانهای مؤمن است که در بسیاری از صفات پسندیده انسانی مشترک هستند. آنان اهل ایمان هستند؛ نماز می‌خوانند؛ روزه می‌گیرند و حتی خداوند در قرآن، قاعدان را، که به علت عذر موجه در جهاد شرکت نکرده‌اند، مورد سرزنش قرار نمی‌دهد! اما در مقایسه با گروه مجاهدین با صراحت به تفاوتها و فاصله بین دو گروه اشاره می‌کند. قاعدان فضیلت کسانی را که به جهاد رفته و شهید یا بر دشمن پیروز شدند، ندارند. این آیه ضمن اینکه قصد تشویق مؤمنین به حضور در میدان درگیری را دارد، می‌خواهد انسانها را نسبت به پیشی‌گیری در خیر و فضیلت بیدار کند (طباطبایی، ۱۳۸۲، ج ۵: ۷۲). نقطه اصلی تفاوت بین قاعدان و مجاهدان که هر دو از انسانهای با ایمان هستند در اقدام و حرکت آنها و سبقت برای ورود به میدان «مبارزه» است.

انسان با ورود به میدان نبرد و درگیری میان تمایلات و خواسته‌های حق و باطل، رشد مضاعف می‌کند. یکی از اهداف تربیت می‌تواند چگونگی پرورش انسانهای مجاهد و مبارز برای مدیریت نبردهای زندگی باشد. تلفیق اندیشه و اراده در قلمروی تاریخ و اجتماع، آینده ساز است و از خلال

وجود ذهنی انسان و تلفیق اراده و اندیشه، حرکتی در انسان به وجود می‌آید (صدر، ۱۳۵۹: ۶۵ - ۶۴). چنین انسان تربیت یافته‌ای با جرأت و جدیت وارد صحنه درگیری خواهد شد و موانع آن صحنه را از بین خواهد برد و همه این امور در راستای رشد و تکامل او خواهد بود. پرداختن به موضوع «مبارزه» از دیدگاه تربیتی در ارائه الگویی به انسان به منظور رویارویی با درگیریهای فکری و رفتاری فردی و جمعی راهگشاست.

در این راستا، لازم است به «مبارزه» به عنوان کلیدواژه اصلی در تربیت اسلامی توجه ویژه‌ای شود و به گونه‌ای در نظام تعلیم و تربیت جایگاه ویژه‌ای در اهداف و روش پیدا کند. این مقاله تلاش دارد به ارتباط معنایی و کاربردی مبارزه و تربیت بپردازد. برای این هدف در پی یافتن پاسخ سؤالات زیر خواهیم بود:

۱- مفهوم شناسی مبارزه و تربیت چیست؟

۲- عوامل مفهومی مشترک در مبارزه و تربیت چیست؟

۳- ابعاد و قواعد مبارزه طبق آموزه‌های اسلامی چیست؟

۴- قلمروهای تربیتی ابعاد مبارزه چیست؟

تاکنون پژوهشی با این عنوان صورت نگرفته است. در مقالات مختلف به بررسی عناصر جدایی از مبارزه مانند شیطان در قرآن، نفس اماره و... پرداخته شده است. مرتضوی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «موانع تربیت زمینه ساز» به ترسیم این موانع در حوزه افکار و گفتار و رفتار پرداخته است. رئیس‌یان و پاکزاد (۱۳۹۲) در مقاله با عنوان «مهارت غلبه بر نفس اماره در قرآن» ضمن مفهوم شناسی نفس اماره به بیان سه مهارت شناختی، رفتاری و معنوی برای غلبه بر نفس اماره پرداخته‌اند. علی نژاد (۱۳۸۹) در مقاله‌ای به روش تحلیل محتوا به بررسی مبارزه با هوای نفس به عنوان عامل پایداری در کتاب ادبیات فارسی آموزش متوسطه و پیش دانشگاهی پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که درصد کمی از محتوای رسمی آموزش و پرورش به شناخت نفس و راه‌های مبارزه با آن اختصاص دارد. جانی پور (۱۳۹۲) در «جهاد، مقوله‌ای فرهنگی - اعتقادی در چارچوب سبک زندگی اسلامی» وارد نگاهی متفاوت به جهاد شده و تلاش کرده است که به لایه‌های عمیقتری از مفهوم جهاد بپردازد و راهبردهای جهاد را در تغییر سبک زندگی به سمت اسلامی ارائه کند. در این مقاله تلاش می‌شود با رویکردی تربیتی به مبارزه و جهاد پرداخته شود.

مفهوم شناسی

تربیت اسلامی: عنوانی است برای نشان دادن طرح اسلام در ساختن و پرداختن انسان (باقری، ۱۳۹۳: ۵۱). در قرآن تربیت بر اساس ریشه "رب ب" به معنای شناخت خداوند به عنوان یگانه رب انسان و جهان و برگزیدن او به عنوان رب خویش و تن دادن به ربوبیت او و تن زدن از ربوبیت غیر است. عناصر اصلی در این تعریف، شناخت، انتخاب و عمل است. منظور از شناخت ربوبیت خداوند و فهمیدن چرایی منحصر بودن ربوبیت در خداوند است. انتخاب در ویژگی آدمی و اختیار او برای گزینش گری ربوبیت الهی است و عمل مرحله بعد از شناخت و عزم است. راه تن دادن به ربوبیت خدا از طریق تن زدن از ربوبیت غیر هموار می‌شود و این مسیر تلاش و کوشش فراوان انسان را می‌طلبد و از لوازم این تعریف، «تطهیر» و «تزکیه» است (باقری، ۱۳۹۳: ۶۱ و ۶۲). بر اساس این تعریف در تربیت انسان باید همزمان به جنبه اثبات و سلب توجه کرد؛ یعنی ضمن اثبات رب یگانه برای انسان و تلاش برای ربوبی شدن او به سلب ربوبیت غیر پرداخت. این فرایند تنها در حوزه شناخت نیست و ربوبی شدن در همه ابعاد زندگی انسان جاری است.

مبارزه: مبارزه در لغت به معنای از میان صف بیرون آمدن برای جنگ کردن است (عمید، ۱۳۷۷: ۱۰۴۶). به تلاش سخت در مقابل یک مانع یا یک دشمن مبارزه گفته می‌شود. اگر هیچ مانعی در مقابل انسان نباشد، مبارزه وجود ندارد. مبارزه آنجا است که انسان با مانعی برخورد کند. این مانع در جبهه‌های انسانی، دشمن نام دارد و در جبهه‌های طبیعی، موانع طبیعی. اگر انسان با این موانع درگیر شود و سعی کند آنها را از میان بردارد، مبارزه نام دارد. «جهاد» در زبان عربی عیناً به همین معناست؛ یعنی مبارزه. جهاد در قرآن و حدیث هم به همین معناست؛ همه جا به معنای جنگ مسلحانه نیست (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۳۵). مبارزه، حرکت است؛ همان‌طور که هر جرم بدون اینکه نیرویی بر آن وارد آید، حرکت نمی‌کند و تغییر مکان نمی‌دهد، حرکت مبارزه در انسان نیز نیرویی می‌خواهد و انگیزه‌ای. این حرکت بر حسب نوع مبارزه فرق می‌کند. همان‌طور که مبارزات گوناگون است، انگیزه و نیروی محرک آن هم گوناگون است. انگیزه مبارزه و نوع مبارزه اقوام و ملل تابع طبیعت و کیفیت تکوین و ساختمان اجتماعی آنها است (فارسی، ۱۳۹۸: ۱۸۶ و ۱۸۷). بر اساس این تعریف هر حرکت و تلاشی که در جهت رفع موانع مسیر باشد، مبارزه تلقی می‌شود. مبارزه لزوماً به حوزه خاصی محدود نیست.

روش پژوهش

روش تحقیق این پژوهش روش تحلیل است که از جمله روشهای کیفی در حوزه پژوهشهای علوم انسانی است. روش تحلیلی در طیف گسترده‌ای با ویژگیهای متفاوتی قرار گرفته است. منظور از تحلیل در این مقاله، جستجوی ارتباط میان مفاهیم مختلف و بازشناسی روابط و شبکه‌های مفهومی آنهاست. از کارکردهای روش تحلیل توصیف است. در روش تحلیلی ابتدا توصیفی دقیق از موضوع مورد مطالعه انجام می‌گیرد که موضوع ما از چه ویژگیهایی برخوردار است. در این توصیف است که می‌توان به روابط بین مفاهیم برگرفته از موضوع رسید (باقری و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۴ و ۱۳۳). از این رو روش این مقاله، تحلیلی استنتاجی است. در ابتدا و در پاسخ به سؤال اول تا سوم تحقیق به توصیف مفهوم مبارزه در آموزه‌های اسلامی پرداخته، و بر اساس مفهوم مبارزه ابعاد و قواعد آن تحلیل شد؛ سپس بر اساس توصیف و تحلیل ابعاد جهاد و در پاسخ به سؤال چهارم، قلمروهای تربیتی جهاد تحلیل و تربیت جهادی استنتاج گردید.

عوامل مفهومی مشترک در مبارزه و تربیت

مانع (دشمن): کسی است که حیات طرف مقابلش را نشانه برود؛ صرف نظر از اینکه منظور از آن حیات، زندگی مادی یا هدایت معنوی باشد و یا به هدف خود نائل بشود یا نشود و یا کار خود را با واسطه یا بی واسطه انجام دهد. منطبق وجودی و ثبوتی دشمن، موضوع جهل است؛ بنابراین تا وقتی جهالت باشد، دشمن و دشمنی نیز خواهد بود (اخوت و حاجی رجبعلی، ۱۳۹۰: ۳۲). بر اساس این تعریف، دشمن تنها در فردی که ویژگی ظاهری دارد تعریف نمی‌شود، بلکه هر آنچه مانع رشد انسان به شمار رود به نوعی دشمن است که باید با آن مبارزه کرد.

در قرآن در آیات متعددی واژه «عدو» به معنای دشمن به کار رفته است. بیشتر کاربرد این واژه در مورد شیطان و دشمنی آشکار او است (اعراف/۲۲). اما در آیات دیگری هم به دشمنی انسانها با یکدیگر پرداخته است. در بعضی آیات، کافران را دشمن معرفی کرده است (نساء/۱۰۱). در مقابل به دشمنی خداوند با کافران هم اشاره شده است (بقره/۹۸). همسر و فرزندان نیز در مواردی برای شخص مؤمن در زمره دشمن به شمار می‌روند (تغابن/۱۴). دشمنی اقوام و ملت با هم آمده است (نساء/۹۲). از فراوانی آیات متعدد در زمینه دشمن در آموزه‌های دینی می‌توان به این نکته رسید

که شناخت دشمن و شیطان از الزامات اصلی در جهان بینی اسلامی است. علامه طباطبایی در میزان به غفلت از پرداختن به موضوع شیطان اشاره می‌کند:

«موضوع ابلیس نزد ما امری مبتدل و پیش پا افتاده شده است که اعتنایی به آن نداریم جز اینکه روزی چند بار او را لعنت می‌کنیم و از شرش به خدا پناه می‌بریم و بعضی افکار پریشان خود را به این دلیل که از ناحیه او است تقبیح می‌کنیم ولیکن باید دانست که این موضوع، بسیار قابل تأمل و شایان دقت و بحث است و متأسفانه تاکنون در صدد بر نیامده‌ایم که ببینیم قرآن کریم درباره حقیقت این موجود عجیب، که در عین اینکه از حواس ما غایب است و تصرفات عجیبی در عالم انسانیت دارد، چه می‌فرماید» (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۸: ۴۲ و ۴۱) پیامبر خطرناکترین دشمن را نفس اماره معرفی می‌کند: «أعدی عدوَّك نفسك الّتی بین جنیك: خطرناکترین دشمن تو نفس تو است که میان دو پهلوی تو است» (پاینده، ۱۳۸۵: ۲۳۷). بنابراین تا مانعی در مسیر نباشد، مبارزه معنا نخواهد یافت. تن ندادن به ربوبیت غیر، از لوازم اصلی تعریف تربیت اسلامی است. ربوبیت غیر مانعی است در مسیر تربیت انسان که این مانع در مراحل شناخت، انتخاب و عمل در مقابل مسیر آدمی است. از این رو در مبارزه همواره دشمن وجود دارد و در تربیت همواره مانع؛ پس مبارزه کردن نوعی تربیت شدن است.

فرمانده: در آیات متعددی از قرآن به لزوم اطاعت‌پذیری اشاره شده و در برخی آیات (انفال/۴۶) این اطاعت، اطاعت از دستورهایی است که از ناحیه خدا و رسول درباره جهاد و دفاع از حریم دین اسلام صادر می‌شود؛ به عنوان نمونه هنگام جنگ، متعرض زن و فرزند دشمن نشوند و بدون اطلاع دشمن بر ایشان شیبخون نزنند و هم‌چنین احکام دیگر جهاد (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۹: ۱۲۶). این اطاعت‌پذیری دلالت بر وجود فرمانده در میدان جنگ دارد؛ فرماندهی که نسبت به میدان نبرد و چگونگی مقابله با دشمن آگاهی بیشتری داشته باشد. اطاعت‌پذیری از فرمانده ممکن است بر خلاف میل آدمی باشد و همواره با سختی‌هایی روبه‌رو باشد از این رو در انتهای آیه به صبر توصیه شده است. امام علی(ع) صبر را فرمانده لشکر برای مؤمن تلقی می‌کند: «ألعلل خلیل المؤمن والعلم وزیره و الصبر أمير جنوده و العمل قیمة» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۱۱۸).

در نبردهای مختلف با توجه به اهمیت و کیفیت نبرد از فرماندهان مختلفی استفاده می‌شود. امام علی(ع) از فرماندهی عقل و لشکرش در مقابل جهل هم نام می‌برد: «ألعلل صاحب جيش الرّحمن و الهوى قائد جيش الشّيطان و النّفس متجاذبة بينهما فأیهما غلب كانت فی حیّزه» (تمیمی

آمدی، ۱۴۱۰: ۱۱۹). فرمانده نقش هدایتگری انسان را در میدان نبرد به عهده دارد و با توجه به شناختی که از نیروهای خود دارد، وظایف میدان نبرد را بین افراد تقسیم، و به گونه‌ای میدان نبرد را مدیریت می‌کند که در جریان آن موقعیت، استعدادها و آدمی شکوفا شود. نقش فرمانده را در تربیت، «مربی» بر عهده دارد. همان‌گونه که مربی در دیدگاه‌های مختلف تربیتی، نقشهای متفاوتی بر عهده دارد، فرمانده نیز بر اساس چگونگی میدان نبرد، نقشهای متفاوت تربیتی خواهد داشت. اگر هدف در تربیت اسلامی ربوبی شدن آدمی باشد و در مبارزه تلاش می‌شود که موانع ربوبیت غیر برطرف گردد، این تلاش بدون وجود فرمانده امکان ندارد.

طرح و نقشه: ورود به میدان نبرد بدون داشتن طرح و برنامه برای مقابله با دشمن امکان ندارد. این نقشه بر اساس توان دفاعی دشمن و خود، ترسیم می‌شود. هر چه این نقشه دقیقتر ترسیم شود برای مبارزان و فرمانده، چگونگی ورود به میدان راحت‌تر خواهد بود. در قرآن به ضرورت داشتن آمادگی برای رفتن به سمت دشمن اشاره شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا تَبَاتٍ أَوْ انْفِرُوا جَمِيعًا: ای اهل ایمان سلاح جنگ برگیرید و آن‌گاه دسته دسته یا همه یکباره متفق (برای جهاد) بیرون روید. (نساء ۷۱/ آماده شدن برای جنگ بر اساس عده دشمن و نیروی او متفاوت می‌شود. در این آیه نمی‌خواهد مختار بودن در چگونگی بیرون رفتن را بیان کند، بلکه این تردید به دلیل اختلاف وضع دشمن است. اگر عدد دشمن کم است به صورت دسته دسته بروید و اگر زیاد، دسته جمعی بروید (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۶۶۷). این آیه دستور جامع و همه جانبه‌ای به تمام مسلمانان در همه قرون و اعصار می‌دهد که برای حفظ امنیت خود و دفاع از مرزهای خویش دائماً مراقب باشند و نوعی آماده‌باش مادی و معنوی به طور دائم بر اجتماع آنها حکومت کند؛ از جمله اینکه مسلمانان باید در هر زمان از موقعیت دشمن و نوع سلاح و روشهای جنگی و میزان آمادگی و تعداد اسلحه و کارایی آنها با خبر باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۴). اگر انسان بخواهد در مبارزات پیش روی خود پیروز گردد به طرح و نقشه دقیق نیاز دارد و برای اجرا شدن طرح و نقشه، امکانات و لوازمی نیاز است. در قرآن به ضرورت آماده کردن سلاح برای میدان نبرد و با هدف ترساندن دشمن اشاره شده است: «و شما (ای مؤمنان) در مقام مبارزه با آن کافران خود را مهیا کنید و تا آن حد که بتوانید از آذوقه و تسلیحات و آلات جنگی و اسبان سواری زین کرده برای تهدید و تخویف دشمنان خدا و دشمنان خودتان فراهم سازید و نیز برای قوم دیگری که شما بر (دشمنی) آنان آگاه نیستید (مراد منافقانند که ظاهراً مسلم و باطناً کافر محض هستند.) و خدا بر آنها آگاه

است و آنچه در راه خدا صرف می‌کنید، خدا تمام و کامل به شما عوض خواهد داد و هرگز به شما ستم نخواهد شد (انفال/۶۰). چون جنگ، اجتناب ناپذیر است، انسان باید برای این جنگ آماده باشد و تا آنجا که می‌تواند و به همان مقداری که احتمال می‌دهد دشمنش مجهز باشد، جامعه خود را مجهز کند (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۹: ۱۵۱). از این رو ضرورت وجود طرح و برنامه در میدان مبارزه برای دانستن چگونگی غلبه بر دشمن فهمیده می‌شود. این طرح و برنامه بر اساس هدف مبارزه و شناخت دشمن و کیفیت نیروها و امکانات موجود تدوین می‌شود. در این نقشه انسان مبارز جایگاه مشخصی دارد و مسئولیت و برنامه مشخصی انجام می‌دهد. فرایند تربیت انسان هم بدون برنامه تربیتی مشخص امکانپذیر نیست. در برنامه درسی بر اساس اهداف آموزشی برنامه بلندمدت و کوتاه مدت ترسیم، و متناسب با آن اهداف، الگوهای مختلف تربیتی ارائه می‌شود.

ابعاد مبارزه در آموزه‌های اسلامی

مبارزه درونی

حرکت و مبارزه، ضرورتی است برای انسان که از ساخت و فطرت او ناشی می‌شود (صفایی حائری، ۱۳۹۰: ۱۷). نفس انسان واحد است اما دارای قوا و حیثیت‌های گوناگون است. حیثیتی از نفس در تکاپوی رسیدن به خواسته‌های مادی و حیوانی است و حیثیتی از نفس در پی خواسته‌های معنوی و تقرب به خداست. این نفس واحد که دارای قوای متعدد است در عمل با یکدیگر تراحم دارند (مصباح، ۱۳۸۹). علمای اخلاق برای نفس سه مرحله قائلند که در قرآن به آنها اشاره شده است:

نفس اماره^(۱): نفس سرکش است که انسان را به گناه فرمان می‌دهد و به هر سو می‌کشاند و به این دلیل به آن اماره می‌گویند. در این مرحله هنوز عقل و ایمان آن قدرت را نیافته است که نفس سرکش را مهار زند و آن را رام کند؛ بلکه در بسیاری از موارد در برابر او تسلیم می‌شود و یا اگر بخواهد گلاویز شود، نفس سرکش او را بر زمین می‌کوبد و شکست می‌دهد. همه بدبختیهای انسان از این مرحله است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۴۳۶).

نفس لوامه^(۲): مرحله دوم است که پس از تعلیم و تربیت و مجاهدت، انسان به آن ارتقا می‌یابد. در این مرحله ممکن است بر اثر طغیان غرائز، گاه مرتکب خلافهایی بشود اما فوراً پشیمان می‌شود

و به ملامت و سرزنش خویش می‌پردازد؛ تصمیم بر جبران گناه می‌گیرد و توبه می‌کند. در مبارزه عقل و نفس گاهی عقل پیروز می‌شود و گاهی نفس، ولی به هر حال کفه سنگین از آن عقل و ایمان است. البته برای رسیدن به این مرحله جهاد اکبر، تمرین کافی و تربیت در مکتب استاد و الهام گرفتن از سخن خدا و سنت پیشوایان لازم است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۴۳۷).

نفس مطمئنه^(۳): مرحله سوم، و آن مرحله‌ای است که پس از تصفیه و تهذیب و تربیت کامل، انسان به مرحله‌ای می‌رسد که غرائز سرکش در برابر او رام می‌شوند و سپر می‌اندازند و توانایی پیکار با عقل و ایمان در خود نمی‌بینند؛ چرا که عقل و ایمان آن قدر نیرومند شده‌اند که غرائز نفسانی در برابر آن توانایی چندانی ندارد. این همان مرحله آرامش و سکینه است. این مقام آنهایی است که در مکتب مردان خدا درس ایمان و تقوا آموختند و سالها به تهذیب نفس پرداخته و جهاد اکبر را به مرحله نهایی رسانده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۴۳۷).

کمال نفس در گروهی به کارگیری صحیح جسم به عنوان وسیله و ابزار ارتقای روح و در نهایت، تبدیل نفس اماره و لوامه به نفس مطمئنه است (فرهادیان، ۱۳۷۸: ۲۴). در هر نشئه‌ای انسان، لشکر عقل و لشکر جهل دارد و همیشه بین این دو لشکر نزاع است و انسان میدان جنگ این دو تا طایفه است. اگر جنود رحمانی و عقلانی غالب شد، انسان اهل سعادت و رحمت می‌شود و اگر جنود شیطانی و لشکر جهل غالب شد، انسان از اهل شقاوت و غضب می‌شود (خمینی، ۱۳۹۱: ۵). پس با توجه به ساختار نفس، انسان همواره در میدان مبارزه درونی بین شئون مختلف نفس است و تنها هنگامی می‌تواند خود را از میدان مبارزه بیرون کند که آگاهانه و با اختیار در این نبرد پیروز شود.

مبارزه بیرونی: انسان به طور فطری در صدد استخدام و بهره‌کشی از دیگران است. این ویژگی اولین اصل فطری است و مسئله اجتماع به عنوان اصلی ثانوی و نتیجه آن است. انسان از یک سو دیگران را به هر صورتی که ممکن باشد، وادار می‌کند خواسته‌اش را برآورند و از سوی دیگر هر چه مزاحم و مانع انجام خواسته او است از سر راه بر می‌دارد. مسئله دفع و غلبه، معنایی است عمومی که در تمام شئون اجتماع بشری جریان دارد و در هر دو زمان صلح و جنگ اعمال می‌شود. فطری بودن دفع و غلبه اختصاص به مورد دفاع مشروع ندارد، بلکه شامل همه گونه‌های دفاع می‌شود؛ چه آنجا که دفاع به عدل و از حقی مشروع باشد و چه به ظلم و از حقی خیالی و نامشروع. انسان در حال عادی متوجه این حقیقت نمی‌شود و تصور می‌کند تنها ستمگران بهره‌کشی می‌کنند

ولی وقتی کسی مزاحم و مانع حقی از حقوق حیاتی او شود، آن وقت است که شروع می‌کند به اینکه انسان مزاحم را از سر راهش بردارد. این بهره‌کشی مراتبی از شدت و ضعف دارد که یکی از آن مراتب، جنگ و قتال است (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۴۴۴ تا ۴۴۶). پس با توجه به ذاتی بودن غلبه بر دیگری برای بهره‌کشی و یا دفاع از حقوق، نمی‌توان جامعه را عاری از درگیری و نبرد دانست و به این دلیل، مبارزه در بعد اجتماعی هم موضوعیت می‌یابد. مبارزه بیرونی با اهداف و دلایل مختلف و با کارکردهای مثبت و منفی تحقق می‌یابد. مبارزه می‌تواند نوعی تلاش جدی در رفع موانع در مسیر تکامل و تربیت فرد باشد. از آنجا که فرد در بستر اجتماع رشد می‌کند، لازم است نسبت به رفع موانع اجتماعی برای هموار کردن مسیر رشد فردی و اجتماعی خویش، حساس باشد. فعالیتی که در عرصه اجتماع به منظور رفع موانع بیرونی انجام شود، نوعی مبارزه اجتماعی تلقی می‌شود. در آموزه‌های اسلامی، جنگ از همین دیدگاه تحلیل، و نمونه‌ای از مبارزه تلقی می‌شود. البته نمودهای مبارزه در آموزه‌های اسلامی را نمی‌توان در جنگ و قتال منحصر دانست بلکه سایر تلاشهای اجتماعی هم نوعی مبارزه بیرونی است که در راستای رفع موانع هدایت مردم، توسط پیامبران و اولیا انجام می‌گیرد.

قواعد مشترک در ابعاد مبارزه

قاعده هجوم (حصارشکنی): در این موقعیت و شیوه مبارزه، انسان برای ورود به میدان نبرد پیشقدم می‌شود و در واقع مدیریت میدان کارزار را در دست دارد. این مدیریت در میدان نبرد درونی به منظور هجوم به لشکر شیطان و حملات نفس اماره است و میدان مبارزه بیرونی، هجوم به هر مانعی که در مسیر رشد انسان سدی ایجاد کرده است. در قرآن عدم حرکت ابتدایی مسلمانان برای ورود به میدان نبرد مورد سؤال واقع می‌شود و به جنگ با کفار و منافقان دستور می‌دهد (نساء/۷۵). قاعده هجوم در واقع با هدف دفاع از آرمانها صورت می‌گیرد؛ هر چند به شیوه تهاجمی است. روشهای برخورد در قاعده هجوم متفاوت است. این هجوم می‌تواند ناصحانه و همراه با دلسوزی و با فراهم کردن زمینه ارشاد و شناخت معروف و منکر، و یا آمرانه و افشاگرانه و یا مسلحانه و قاطعانه باشد و در آخرین مرحله کار را به قتال و جنگ بکشاند (صفایی حائری، ۱۳۸۸: ۲۰). در همه شیوه‌ها، انسان بنا بر مسئولیت خویش و روحیه تعالی‌طلبی و تحول‌خواهی،

اهمیت ورود به میدان مبارزه و شروع تهاجم را درک، و برای این اقدام حرکت فعالانه می‌کند و موانع و حصارها را می‌شکند و حاضر نیست به وضعیت موجود تن دهد.

قاعده دفاع (حصاربندی): در این موقعیت، میدان نبرد و درگیری توسط انسان ساخته نمی‌شود، بلکه انسان مجبور است در میدان ساخته شده توسط دشمن وارد شود و به دفاع پردازد. دیگری ابتکار را در طراحی موقعیت به دست می‌گیرد و بر اساس هدف خود میدان درگیری را ترسیم می‌کند. در آیات قرآن به مسلمانان در مقابل تهاجم دشمن دستور به دفاع داده شده است (بقره/۱۹۴). بسیاری از جنگهای صدر اسلام در پاسخ به حملات دشمن و با هدف دفاع صورت گرفته است. در این قاعده، چون انسان باید در میدان دیگری ایفای نقش کند، حتما باید برنامه دفاع خود را متناسب با هجوم دشمن تنظیم کند و از ابزارها و امکاناتی متناسب با امکانات دشمن بهره ببرد. هر چند انسان منفعلانه وارد میدان مبارزه می‌شود در چگونگی دفاع می‌تواند فعالانه وارد شود. این قاعده در میدان مبارزه درونی با هدف محافظت نفس انسان از تهاجمات و وسوسه‌های شیاطین درون صورت می‌گیرد. دستور تقوا در آموزه‌های اسلامی در این راستا است. در میدان مبارزه بیرونی نیز به منظور دفاع از اهداف و برنامه‌های متعالی انسان در مقابل تهدیدات مخالفان صورت می‌گیرد.

قاعده هجرت (طرد آگاهانه): گاهی وضع به گونه‌ای است که نه امکان هجوم برای انسان مهیا است و نه توان دفاع در مقابل هجوم دیگری را دارد؛ در این موقعیت باید به هجرت اقدام، و میدان مبارزه را ترک کند. این هجرت برخورداردی منفعلانه تلقی نمی‌شود و با آگاهی کامل از موقعیت مبارزه صورت می‌گیرد و اقدام و حرکت به شمار می‌رود. در صدر اسلام شاهد هجرت مسلمانان مکه به مدینه بودیم. این عمل مهاجران در قرآن مورد ستایش خداوند است. هجرت بار معنای بزرگی در قرآن دارد. در معنای اعم آن به هر اقدامی در ترک محیط نامطلوب به سمت مطلوب و در معنای اخص حرکت از ناحیه شرک به سمت توحید و از گناه به سمت ثواب گفته می‌شود. مراد از مهاجران کسانی هستند که از گناهان کبیره پرهیز، و یا توبه می‌کنند و خدا هم از گناهان صغیره آنان صرف نظر می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۱۳۹). از این رو هجرت قاعده مبارزه در دو بعد مبارزه درون و برون است. در قرآن هجرت به قید «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» مقید شده است (حج/۵۸) و عمل صالح وقتی عمل صالح می‌شود که در راه خدا انجام شود نه در راه غیر خدا و در مسیر به دست آوردن مال و جاه و مقاصد دنیوی (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۱۴: ۵۶۶). از این رو هجرت، اگر در

راستای اهداف متعالی و در راه خداوند صورت پذیرد، مبارزه قلمداد می‌شود. قاعده تقیه (سکوت آگاهانه): تقیه راهی است که مبارزه را از بن بست نجات می‌دهد؛ چون آنجا که نمی‌شود درگیر شد، باید مانعها را دور زد و از همانها بهره برد و از آنها وسیله ساخت. امام علی(ع) بدون چشم پوشی از هدف و بدون ذلت و بدون بهره‌برداری از باطل در مدت سکوت خود کاری کرد که به همان دلیلی که از او بریده بودند به او بازگشتند و از دشمنانش، دوستانی به وجود آورد. تقیه این انعطاف و لطافت را دارد و می‌آموزد که آنجا که نمی‌توانی در برابر دشمن بایستی در دل او بنشین (صفایی حائری، ۱۳۸۲: ۱۱۲ - ۱۱۳). از این رو تقیه شکل پیچیده‌ای از مبارزه است و در وضعیتی که امکان هجوم، دفاع و یا هجرت فراهم نباشد، کاربرد دارد. در تقیه باید سکوت، و در ابتدا آگاهانه با دشمن همراهی کرد تا در انتها در مبارزه پیش رو پیروز گردید.

قلمروهای تربیتی ابعاد مبارزه

۱ - «تربیت اخلاقی» قلمرو مبارزه درونی

تربیت اخلاقی مجموعه‌ای از فعالیتهای تربیتی به منظور از میان بردن صفات رذیله و ایجاد فضایل اخلاقی است (داودی، ۱۳۸۸: ۹). از این رو، وجود انسان کارزار بین عقل و جهل است. جدال پیوسته لشکریان عقل و جهل، یکی از مباحث تربیت اخلاقی است. سعادت انسان در این دنیا و جهان آخرت به نتیجه این نبرد بستگی دارد. اصلی که از این مبنا به دست می‌آید، اصل مراقبت دائم و مخالفت پیوسته با هواهای نفسانی و لشکریان جهل است (داودی، ۱۳۸۸: ۱۱۱). مبارزه‌ای که انسان در میدان نبرد درونی خود و با دشمنی‌های نفس اماره و شیطان انجام می‌دهد از مبانی اصلی تربیت اخلاقی و در این قلمرو مفهوم می‌یابد. ساختار وجودی انسان، ضرورت این مبارزه را تعیین می‌کند و شناخت انسان نسبت به چگونگی مبارزه و توان دشمن و مهارتهای لازم برای مبارزه، او را در مسیر تربیت اخلاقی خویش قرار می‌دهد. هر چقدر در این میدان تلاش کند و مبارزه بهتری انجام دهد، مراحل تربیت اخلاقی را بهتر می‌پیماید. نتیجه مبارزه، آدمی را رشد نمی‌دهد؛ بلکه قرار گرفتن در فرایند مبارزه درون، قرار گرفتن در مسیر رشد و تربیت اخلاقی او خواهد بود.

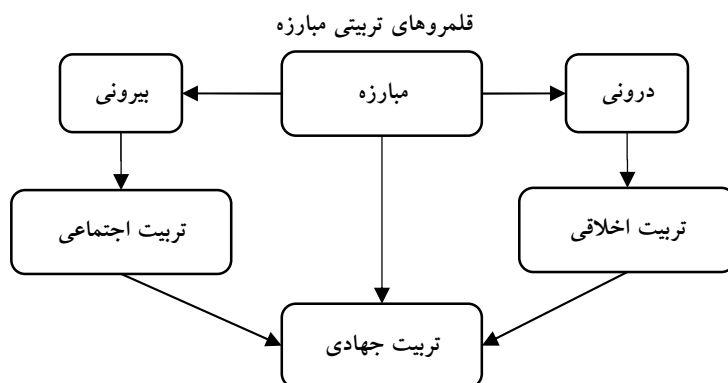
۲ - «تربیت اجتماعی» قلمروی مبارزه بیرونی

انسان در عین برخوردار بودن از ویژگیهای بنیادین حریت، کرامت و فطرت، عضوی از جامعه معینی است و این عضویت، او را در وضعیت فرهنگی اجتماعی معین و در عرصه‌ای از تأثیرات قرار می‌دهد. اما انسان این توان را دارد که لزوماً به صورت انفعالی تحت تأثیر جامعه وضعیت اجتماعی خویش نباشد، بلکه وضعیت اجتماعی خویش را مورد تردید و تأمل قرار دهد و در برابر آن مقاومت کند و بر آن تأثیرگذار (باقری، ۱۳۸۸: ۱۹۶). در تربیت اجتماعی، انسان به بهترین شکل، حقوق و وظایف و مسئولیتهای خود را نسبت به دیگر هم‌نوعان و هم‌کیشان و هم‌مسلمانان خود می‌شناسد و آگاهانه و با عشق برای عمل به آن وظایف و مسئولیتهای قیام می‌کند (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۷، نقل از منصورنژاد، ۱۳۸۳). ضرورت اجتماعی بودن انسان، او را در میدان تعامل یا نزاع با دیگری قرار خواهد داد و واکنش او را به واقعیت‌های اجتماعی او در میدان مبارزه بیرونی قرار خواهد داد. برخورد فعال یا منفعل، سکوت یا فریاد، سکون یا حرکت هر کدام برای او گزینه‌های پیش رو است و چگونگی شناخت از میدان نبرد اجتماعی و احساس مسئولیت او در رفع موانع، سبب پرورش جنبه‌هایی از شخصیت آدمی می‌شود که به زندگی او در میان جامعه مربوط است. در واقع مبارزه بیرونی راهبرد و روشی است که با انجام دادن آن زمینه تربیت اجتماعی آدمی فراهم خواهد شد.

۳ - تربیت جهادی: مبارزه هماهنگ در بعد درونی و بیرونی

تربیت اسلامی به رغم تدوین برنامه تربیت عمومی درباره مؤمنان، برنامه تربیتی ویژه‌ای دارد (علم الهدی، ۱۳۸۴: ۲۴۳). تربیت جهادی نسخه‌ای برگرفته از تربیت اسلامی و برای مؤمنان خاص است که بر مبنای جهاد و مبارزه ترسیم می‌شود. مبارزه بستر تربیت اخلاقی و اجتماعی انسان را فراهم می‌کند؛ اما میزان حضور انسان در میدان نبرد درون یا برون از او شخصیتی متفاوت خواهد ساخت. تلاش بیش از اندازه در حوزه درون و غفلت از بیرون، او را فرد با فضیلتی بار می‌آورد که نسبت به جامعه بی‌اعتنا است و اهل اقدام و حرکت نیست. وصف قاعدان در قرآن را می‌توان به این گونه از انسانها نسبت داد. در مقابل، کسانی هم که بیشتر در میدان مبارزه بیرونی فعال هستند به علت غفلت از درون، احتمال خطای زیادی در انتخاب مسیر و چگونگی پیمودن آن خواهند داشت. چون ممکن است منافع شخصی را

بر ارزشها و آرمانهای خود غلبه دهند. بر این اساس ضرورت وجود هماهنگی در مبارزه درون و برون درک می‌شود. انسانی در بستر مبارزه رشد می‌یابد و تربیت می‌شود که مبارزه را همزمان در دو بعد انجام دهد. این هماهنگی در قرآن با واژه «جهاد» معرفی شده است. در قرآن در آیات متعددی به موضوع جهاد پرداخته شده است. جهاد در آیات در یک سطح معنایی نیست. در بعضی از آیات، جهاد با مفهوم جنگ و قتال استفاده شده است (توبه/۷۳). در آیات دیگر جهاد به صورت مطلق آمده است (عنکبوت/۶۹). جهاد در قرآن فرایندی چند لایه است که در پایین‌ترین سطح آن جنگ سخت است و با واژه قتال معنا می‌یابد ولی در سطوح بالاتر آن به عنوان ترسیم مبانی فکری و معرفتی انسانها و راهبردی نرم‌افزارانه تبیین می‌شود (جانی پور و ستوده نیا، ۱۳۹۲). از آنجا که قرآن کتاب تربیت و انسان‌سازی است، جهاد را برای هدایت انسان به کار می‌برد: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (عنکبوت/۶۹)». هدایت هدف نهایی تربیت اسلامی مطرح است و نقطه مقابل آن غی (گمراهی) است (باقری، ۱۳۹۳: ۷۶). می‌توان جهاد را با رویکردی تربیتی تفسیر کرد و به طرح «تربیت جهادی» پرداخت. در تربیت جهادی مبارزه کلید واژه اصلی است و این هماهنگی مبارزه در ابعاد درون و برون آدمی، بستر تربیتی برای پرورش انسان جهادی فراهم می‌کند. در تربیت جهادی بر اساس توجه به بعد فردی و اجتماعی انسان، دو ساحت تربیت اخلاقی و اجتماعی را برای آدمی مهیا می‌کند و در هر دو حوزه بر اساس مفهوم جهاد که تلاش سخت در جهت رفع موانع است بر عواملی که متناسب با این تعریف است، تأکید بیشتر می‌کند. انسان جهادی، انسانی است که اهل اقدام و حرکت است و اقدام او اگر در جهت رضایت خداوند باشد، جهاد نامیده می‌شود. مراتب جهاد متفاوت است و براساس آن، درجه مجاهدان هم متفاوت است. بر اساس تعریف تربیت اسلامی، انسان جهادی انسانی است که در جهت ربوبی شدن خود و دیگران تمام تلاش خود را به کار می‌بندد.



نتیجه گیری

اگر موضوع تربیت انسان، و هدف از تربیت، فراهم کردن زمینه رشد و تکامل و غایت تربیت ربوبی شدن انسان باشد، برنامه تربیت بدون در نظر گرفتن ماهیت انسان و جایگاه او در نظام جهان و توجه به شئون گوناگون نفس فراهم نمی‌شود. ربوبی شدن هنگامی محقق می‌شود که به ربوبیت غیر تن نداد و این تن ندادن را می‌توان مبارزه آدمی با موانع مسیر تلقی کرد. این موانع در درون و برون انسان وجود دارد. شئون نفس در درون آدمی به گونه‌ای است که همواره در معرض هجوم نفس اماره است و میدان نبرد در درون انسان بین خواسته‌های نازل و عالی وجود دارد. هم‌چنین در نظام آفرینش، انسان موجودی جدا و بدون تأثیر و تأثر از غیر، مبارزه در بعد درونی زمینه تربیت اخلاقی انسان را فراهم می‌کند که انسان در حوزه فردی با موانع درونی خود مبارزه کند و مبارزه در بعد بیرونی، برنامه‌ای برای تربیت اجتماعی انسان است که انسان نسبت به جامعه خویش و رفع موانع این حوزه وارد میدان مبارزه شود. هماهنگی و توجه همه جانبه به هر دو میدان مبارزه، زمینه تربیت جهادی انسان را فراهم می‌کند که مرحله متعالی‌تری از تربیت است. جهاد کلیدواژه اصلی در تربیت جهادی است و از درون جهاد مبارزه می‌جوشد. میدانهای نبرد، موقعیت تربیت و رشد است. قواعد مبارزه به گونه‌ای است که می‌تواند موقعیت‌های مختلف هجوم یا دفاع، هجرت یا تقيه را فراهم آورد و هر کدام از این موقعیت‌ها، قواعد تربیت انسان و شکوفایی استعدادها و او را مهیا می‌سازد. توجه به این نکته و ضرورت برخورد و ارتباط آدمی با محیط، میدان نبرد بیرون از خود را برایش فراهم می‌کند. لزوم شناخت میدان مبارزه درونی و بیرونی و کسب مهارت لازم

برای این نبرد ضروری است.

میدان مبارزه، میدان تربیت انسان است. در این میدان موانع، فرمانده و نقشه اقتضای نبرد است. فرمانده مربی و هدایتگر فرد است و طرح و نقشه بر اساس شناخت ویژگیهای افراد و اهداف جنگ تدوین می‌شود.

هنگامی انسان در مسیر تربیت خویش به کمال می‌رسد که بتواند بین درون و برون خویش هماهنگی ایجاد کند و ضمن توجه به خود به عنوان فرد منحصر در این نظام از زاویه دیگر، خود را در بستر اجتماع و عضو کوچکی از جامعه بزرگ تلقی کند. این هماهنگی در میدان نبرد و در مبارزه درونی و بیرونی انسان از او انسان کاملتری می‌سازد. انسان جهادی که پرورش یافته تربیت جهادی است، نتیجه هماهنگی بین دو بعد است.

یادداشتها

- ۱ - وَ مَا أُبْرِيءُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ - يوسف/۵۳
- ۲ - وَلَا أَقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ - قیامت/۲
- ۳ - يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ - فجر/۲۷

منابع

- انصاریان، حسین (۱۳۶۸). فروغی از تربیت اسلامی. ج ۱. تهران: مفید.
- اخوت، احمدرضا؛ حاجی رجبعلی، کاظم (۱۳۹۰). مبانی و روشهای جهاد نرم. قم: کتاب فردا.
- باقری، خسرو (۱۳۹۳). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. ج ۱. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان.
- باقری، خسرو (۱۳۸۸). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. ج ۲. تهران: مدرسه.
- باقری، خسرو؛ سجادیه، نرگس؛ توسلی، طیبه (۱۳۸۹). رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۵). نهج الفصاحه. قم: پرهیزکار.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دار الکتب الإسلامی.
- جانی پور، محمد؛ ستوده نیا، محمدرضا (۱۳۹۲). جهاد مقوله‌ای فرهنگی - اعتقادی در چارچوب سبک زندگی اسلامی. دو فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم. ش ۱: ۷۵ تا ۹۲.
- خامنه‌ای، علی (۱۳۹۲). چیستی، اهداف و الزامات جهاد اقتصادی. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- خمینی، روح الله (۱۳۹۱). شرح چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- داودی، محمد (۱۳۸۸). *تربیت اخلاقی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- رئیسیان، غلامرضا؛ پاکزاد، عبدالعلی (۱۳۹۲). مهارت غلبه بر نفس اماره. *سراج منیر*. س ۴. ش ۱۲: ۱۱۹ تا ۱۴۸.
- صدر، محمداقبر (۱۳۵۹). *انسان مسئول و تاریخ ساز از دیدگاه قرآن*. ترجمه محمدمهدی فولادوند. تهران: بنیاد قرآن.
- صفایی حائری، علی (۱۳۸۸). *قیام*. قم: لیلہ القدر.
- صفایی حائری، علی (۱۳۹۰). *حرکت*. قم: لیلہ القدر.
- صفایی حائری، علی (۱۳۸۲). *تقیه*. قم: لیلہ القدر.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۶). *تفسیر المیزان*. ترجمه سید محمداقبر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فارسی، جلال الدین (۱۳۹۸ق). *واحد‌های بشری در رابطه با جهاد داخلی*. بی تا.
- علی نژاد، مهرانگیز (۱۳۸۹). مؤلفه‌های پایداری با تکیه بر مبارزه با نفس در کتابهای درسی. *نشریه ادبیات پایداری*. س ۲. ش ۳ و ۴: ۴۰۷ - ۴۲۸.
- علم الهدی، جمیله (۱۳۸۴). *مبانی تربیت اسلامی و برنامه ریزی درسی بر اساس فلسفه صدرای*. تهران: دانشگاه امام صادق.
- عمید، حسن (۱۳۷۷). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: امیرکبیر.
- فرهادیان، رضا (۱۳۷۸). *مبانی تعلیم و تربیت در قرآن و احادیث*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- مرتضوی، محمد (۱۳۹۲). *موانع تربیت زمینه ساز. فصلنامه مشرق موعود*. ش ۲۶: ۴۱ تا ۶۴.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مصباح، محمدتقی (۱۳۸۹). *نبرد پیوسته دشوار انسان با نفس سرکش (۲)*. معرفت. ش ۱۴۹: ۵ تا ۱۰.
- منصورنژاد، محمد؛ تربیت در اسلام، آزمون یک فرضیه: اسلام مدافع تربیت اجتماعی سازنده. *مجله مصباح*. ش ۶۳: ۵۰ تا ۸۴.

